

زندگیا و کربلا

علی آبادی

ایشان در پاسخ به ابن زیاد در کوفه و ایراد خطبه در بازار کوفه و همچنین خطبه آن حضرت در شام است.

توجه به جمله کوتاه ولی پر معنا و دندان شکن آن حضرت به ابن زیاد در جواب سخنش که گفت: «کیف رأیت صنع الله باخیک الحسین؟» فرمود: ما رأیت الا جمیلا... (۶) «چگونه دیدی کار خدا که نسبت به برادرت حسین انجام داد؟ فرمود: من غیر از خوبی و زیبایی از خدا چیزی ندیدم». که هم حاکی از فهم عمیق آن بانوی نمونه اسلام از توحید پروردگار بود و هم شنوندگانی که در کوفه بودند را به یاد خطبه‌های علی (ع) می‌انداخت. روزی علی در مسجد کوفه سخن می‌راند و امروز باز زبان علی است که در کلام زینت پدر به جنبش درمی‌آید و جنبش عاشورا را به حرکت و ادامه مسیر حق وامی‌دارد که راوی در مورد خطبه کوفه می‌گوید: لم ار والله خفرة قط انطق منها كانها تنطق و تفرغ من لسان امیرالمؤمنین علی (ع) و قد اشارت الی الناس ان اسکتوا فارتدت الانفاس و سکت الاجراس (۷) «به خدا قسم زنی را که سراپا شرم و حیا باشد از او سخنران تر ندیده بودم که گویی سخن گفتن را از زبان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) فرا گرفته بود. همین که با اشاره دست به مردم گفت ساکت شوند: نفس در سینه‌ها حبس شد و زنگ‌ها که به گردن مرکب‌ها بود از حرکت ایستاد.

که با حمد و صلوات بر پیامبر و آل رسول آغاز نمود و با جمله «اِنَّ رِکْمَ لِبِالْمِرْصَادِ» به پایان رسانید که راوی خطبه در سخنان آن معظمه می‌گوید:

«فوالله لقد رایت الناس یومئذ حیارى یبکون و قد وضعوا ایدیهم فی افواههم» به خدا قسم آن روز مردم را دیدم که حیران و سرگردان می‌گریستند و از حیرت انگشت به دندان می‌گزیدند.

کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود
بسرّ نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود
فسلام علیها یوم ولدت و یوم تموت و یوم تبعث حیا

پی نوشت
۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۵۸، به نقل از خصائص زینیه، ص ۷۹
۲. لهوف، ص ۶۳، به نقل از سحاب رحمت ۲۶۹
۳ و ۴. خصائص زینیه، ص ۱۹۱
۵. لهوف، ص ۹۶، به نقل از خصائص زینیه، ۱۱۷
۶. لهوف، ص ۶۷، به نقل از خصائص زینیه ۲۰۱
۷. سفینه البحار، ج ۱، به نقل از خصائص زینیه، ص ۲۹۲

می‌شود.

چنانچه جابر آن صحابه رسول خدا (ص) می‌فرماید: «اول من تمّی الشهادة عقيلة خدر الرسالة» اولین شخصی که تمنای شهادت نمود عقيلة بنی هاشم حضرت زینب کبری (ع) بود. آن بانوی نمونه فرزندان تربیت کرد که در رکاب حسین شهید و شریعت شهادت نوشیدند و به لقاء الهی رسیدند. که راویان کربلا نقل می‌کنند در روز عاشورا هر کدام از اصحاب که به شهادت می‌رسیدند آن یار و یادگار فاطمه زهرا (ع) کنار نعش شهیدان می‌رسید و قافله سالار کربلا را تسلی می‌داد و این کار را تنها برای فرزندان خود انجام نداد؛ چرا که شاید برادر ارجمندش از آن خواهر گرامی شرمندة شود. (۴) چنانچه انتظار می‌رفت که فرزند علی مرتضی همچون شیر بیشه رسالت، شجاعت و هیبت داشته باشد. حضرت زینب (ع) در طی مسیر پس از آن سبط رسول همراه با سر مبارک برادر از کربلا به کوفه و از کوفه



به شام به صورتی که دور از انتظار امویان بود، همچون پروانه اطراف شمع وجود مقدس امام علی بن الحسین (ع) می‌چرخید و جان آن امام همام را بارها از خطر مرگ رها کرد که می‌توان به عصر عاشورا پس از غارت و آتش زدن خیم آل رسول که امام سجاد در بستر بیماری بودند اشاره نمود. (۵) و یا مجلس ابن زیاد که پس از سخنان امام (ع) قصد کشتن آن حضرت را داشتند. بانوی کربلا دست به گردن فرزند برادر انداخت که هر قدر خواستند او را جدا نمایند نتوانستند و فرمود: تا من زنده‌ام نخواهم گذاشت او را بکشید. و حتی در بازار شام هم این دختر علی (ع) بود که با شجاعت علوی امام زمانش را نجات داد.

دیگر اقدام آن بانوی مکرمه سخنان فصیح و بلیغ

عاشورا! عشق و ایثار و شور و وفاداری و رضا به قضای الهی و ایستادگی در مقابل دشمن است. این واژه‌ها نمادی از فرهنگ عاشورا را ترسیم می‌کنند و زمانی مفهوم و معنا پیدا می‌کنند که عاشورای ما به همراه حضرت زینب کبری (ع)، ام الکثوم، رقیه، رباب و دیگر شیر زنانی که در میدان عظیم کربلا قرار گرفته‌اند باشند. آنان با عشق به امام زمانشان حضرت حسین بن علی (ع) و ایثار و از خودگذشتگی و شور و شعف وصف‌ناپذیری که از ایمان سرشارشان حکایت داشت و راضی بودن در تحمل دشواری‌ها و مصیبت‌های ناشی از جنایات یزیدیان و ایستادگی سرو گونه‌شان در برابر دشمنان دین و آیین توانستند نهال نوپای دین را غرس تقویت نمایند.

اگر خوب توجه کنیم به راحتی درمی‌یابیم که اگر هر کدام از این عمودهای کربلا نبودند به هیچ عنوان خیمه عاشورا بنا نمی‌شد. مهم‌ترین آن‌ها حضرت زینب

کبری (ع) دخت گرامی خلف زهرای مرضیه (ع) و علی مرتضی (ع) بود.

آن بزرگوار از خانه پر عطوفت بانویی درس آموخت که سید زنان عالم است و خود او به گفته امام سجاد (ع) «عالمه غیر معلمه و فهیمة غیر مفهمة» بود. (۱)

نقش ایشان در سرنوشت شیعه و به نتیجه رساندن قیام عاشورای امام حسین (ع) غیر قابل انکار است که نمونه‌های زیرگذری کوتاه در صحنه کربلا است:

امام حسین (ع) قبل از حرکت از مدینه جهت وداع با مادر و جد اطهرش پیامبر اکرم (ص) به قبرستان بقیع و حرم مطهر حضرت رسول

رفتند که در کنار قبر مطهر پیامبر خوابشان برد و در عالم رؤیا آن حضرت را دیدند که فرمود:

«ان الله شاء ان یراک قتیلا ... و ان یراهن سبا یا» (۲) همانا خداوند می‌خواهد تو در راهش قربانی شوی و فرزندان و خانواده تو را اسیر ببیند.

بی شک زینب کبری آن شیر زن کربلا از خاندان حسین عزیز است که قبل از حرکت امام حسین (ع) به همسرش عبدالله فرمود: «ای پسر عمو! محبت مرا نسبت به وی می‌دانی و من چنانم که آنی بدون او زندگی نمی‌توانم نمود». (۳)

وقتی این عشق و علاقه وافر آن مخدّره را نسبت به امام و قتش مشاهده می‌کنیم قاصله خویش با امام عصر «عجل الله تعالی فرجه» برایمان محسوس تر

